

درآمدی بر آثار ادبی زبان ختنی

مهشید میرفخرایی^۱

چکیده

کشف مدارک و اسناد بومی در ناحیه ختن و غارهای هزار بودا، بر کاغذهای چینی مرغوب توسط هیئت-های اکتشافی غربی و ژاپنی در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، فصل نوینی در تاریخ ختن گشود. بررسی این مدارک به گویش کم‌شناخته شده ایرانی، همراه با اصطلاحات فنی از سنسکریت و پراکريت در زمینه‌های ادبی، علمی، اداری، سیاسی، پزشکی و ... پیشینه تاریخی و فرهنگی ختن را روشن ساخت. زائران چینی از سده پنجم به نوعی آیین و سنن مذهبی اشاره می‌کنند که هندی و بودایی است، اما پیش از آمدن دین بودایی و به ویژه مکتب مهم آن، «مهایانه» عقاید ایرانی باستان رواج داشته است. ادبیات ختنی بودایی آثاری از این راهیابی عقاید باستانی را به ختن نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان ختنی، سکاها، ادبیات ختنی بودایی

۱- مقدمه

از ختنی، زبان ایرانی میانه شرقی، دستنویس، برگ و پاره برگ‌های زیادی توسط هیئت‌های اکتشافی غربی و ژاپنی، میان پایان سده نوزدهم و دهه‌های آغازین سده بیستم میلادی، در ناحیه ختن و غارهای هزار بودا، نزدیک دون هوانگ^۲ کشف شده است.^۳ تاریخ نگارش این آثار بین سده‌های پنجم تا دهم میلادی و مربوط به دوران فرمانروایی سکائیان بودایی ساکن ختن است. مجموعه‌هایی از این آثار در کتابخانه‌ها و موزه‌های پاریس، لندن، سن‌پترزبورگ، برلین، واشنگتن، دهلی نو، کیوتو و ... نگهداری می‌شود. به جز چند چوب نوشته، نوشته‌های روی نقاشی‌ها و یک نوشته بر روی کوزه، بقیه آثار ختنی روی کاغذ و به صورت دستنویس یا طومارهایی به سبک چینی است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۵؛

^۱ - استاد، فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
mahshidmirfakhraei@yahoo.com

^۲ - Dunhung

^۳ - ختن بر شاخه جنوبی جاده باستانی موسوم به ابریشم، در استان شین‌جیان (سین‌کیان سابق) اویغور، ایالت خودمختار جمهوری خلق چین واقع است. ختن در گذشته بیشتر به سبب سنگ یشم سبز که محصول شاخص آن بوده، شهرت داشته است. در اسناد به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی، نام ختن، زبان و مردم آن hvatam/ hvamna/ hvatana آمده است. صورت صفتی واژه ختن در زبان سغدی، دیگر زبان ایرانی میانه شرقی، ywōnyk است. در زبان سنسکریت این نام gostana و در چینی قدیم yu-t'ien آمده است (نیز نک. میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۸-۱۰؛ ییلی، ۱۹۸۲: ۸-۱).

(امریک^۱، ۱۹۷۹). این آثار به قلم‌های مختلفی از خط براهمی^۲ نوشته شده‌اند که برای نوشتن ختنی متناسب شده بود. خط براهمی را سکاها از هندی‌ها و هندی‌ها از آرامی‌ها گرفته بودند. براهمی خطی هجایی است و از چپ به راست نوشته می‌شده است.^۳ بررسی متون ختنی از سال ۱۸۹۷م. آغاز شد، اما با وجود بررسی مواد زبانی طی دورانی بیش از یک سده، هنوز پژوهش‌های بسیاری برای تکمیل رمزگشایی زبان و خواندن متون باقی مانده است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۵). از این رو تعیین خطوط اصلی و نمای کلی آثار ادبی ختنی با دشواری‌هایی روبه رو است. دستنویس‌های ختنی هم شامل اسناد و هم متون ادبی است. مضمون بخش اعظم متون به جای مانده مربوط به دین بودا است. احتمالاً آثار اولیه ختنی، چه ترجمه و چه تصنیف‌های اصیل بومی، آثار بودایی بوده است. ختن در هزاره نخست میلادی مرکز عمده مطالعات بودایی بوده و نقش مهمی در انتقال آیین بودایی از هند به چین و تبت داشته است. دین بودا بر متون غیردینی- غیرآموزه‌ای نیز سایه افکنده است (امریک، ۱۹۷۹ و ۲۰۱۰؛ شروو^۴، ۲۰۰۲: xxxiv-lxxii؛ مگی^۵، ۲۰۰۸).

۲- اصل، تاریخ و زبان دستنویس‌ها

دستنویس‌های ختنی از نیمه دوم سده پنجم تا پایان سده دهم میلادی تاریخ‌گذاری می‌شوند. دستنویس‌های قدیم‌تر از ناحیه ختن و دستنویس‌های جدیدتر از غارهای هزاربودا، نزدیک دون هوانگ، استان گنسو است. تنها بخشی از دستنویس‌هایی را می‌توان نسبتاً دقیق تاریخ‌گذاری کرد که در ختن کشف شدند و شامل اسناد اداری و مدارک دیگری‌اند (امریک، ۱۹۸۹). دستنویس‌ها که شامل متون ادبی‌اند، قابل تاریخ‌گذاری نیستند و تنها تعیین تاریخ تخمینی آنها بر اساس شیوه‌های رایج در شناخت خطوط کهن ممکن است. متون طی مراحل مختلف زبان، نوشته

^۱ - Emmerick

^۲ - Brāhmi

^۳ - برای نوشتن ختنی گونه‌های رسمی و شکسته خط براهمی هندی آسیای مرکزی به کار رفته است. کاربرد گونه‌های رسمی عمدتاً، ولی نه منحصرأ، به متون دینی محدود شد. گونه‌های خط شکسته برای نگارش متون ادبی و نوشته‌های روزمره مورد استفاده قرار گرفت. گونه‌های خط رسمی در چهار مرحله تحول، دسته‌بندی می‌شوند:

۱- براهمی ترکستانی آغازی

۲- براهمی ترکستانی جنوبی آغازی

۳- براهمی ترکستانی جنوبی (گونه اصلی)

۴- براهمی ترکستانی جنوبی متأخر (مگی، ۲۰۰۸؛ شروو، ۲۰۰۲: lxxi-lxxii؛ سندر، ۱۹۸۶).

^۴ - Skjaervo

^۵ - Maggi

شده‌اند که معمولاً با عنوان «ختنی قدیم و ختنی جدید» دسته‌بندی می‌شوند.^۱ دستنویس‌های ناحیه ختن به ختنی قدیم و جدید و دستنویس‌های دون هوانگ به صورت‌های متأخر ختنی جدید نوشته شده‌اند. بدین ترتیب، ختنی جدید هم از ناحیه ختن و هم دون هوانگ می‌آیند، در حالی که متون ختنی قدیم فقط از ختن و نواحی اطراف آن است. از آنجا که ختنی قدیم منحصرأ در آثار بودایی به کار رفته، می‌توان ختنی قدیم را «زبان مقدس آثار ختنی بودایی» به شمار آورد. نبود متون ختنی قدیم از دون هوانگ و این که ترجمه‌های ختنی جدید از دون هوانگ، از ترجمه‌های متون ختنی، نسبتاً آزادتر است، این نظریه را مطرح می‌سازد که کتابت و یا حتی رونویسی متون بودایی به ختنی، در دوران فرمانروایی تبتی‌ها، از حدود سال ۷۹۰م. تا اواسط سدهٔ نهم، متوقف شده و نوعی انتقال در درون سنت آموزشی بودایی در ختن روی داده است. بنابر این، گرچه بررسی متون ادبی ختنی به ترتیب تاریخی امکان ندارد، باید اصل و تاریخ تقریبی دستنویس‌ها را مورد توجه قرار داد تا بتوان، حداقل نظر اولیه‌ای در مورد گسترش ادبیات در ختن به دست داد (مجی، همان).

۳- اصل و منشأ ادبیات ختنی بودایی

آگاهی اندکی دربارهٔ منشأ ادبیات ختنی در دست است. در واقع از ادبیات شفاهی، با اصل و تبار ایرانی، به جز بازتاب‌های ضعیف در افسانه‌ها دربارهٔ بنیان‌گذاری ختن و نیز در گرایش‌های سبکی، چیزی نمی‌دانیم. سرچشمه‌های ادبیات نوشتاری قاعدتاً با نخستین آثار بودایی به زبان ختنی، که کهن‌ترین دستنویس‌های آنها به خط براهمی ترکستانی آغازی نوشته شده‌اند، تقارن دارند و بدین ترتیب از سده‌های پنجم - ششم میلادی است. این دستنویس‌ها شامل چند برگ و پاره برگ‌هایی از ترجمه‌های ختنی قدیم سوتره‌های رتنه‌کوته^۲، سنگاته^۳، سوورنه باسوته^۴؛ یک برگ از کتاب زمبسته^۵؛ نیز چوب نوشته‌های غیردینی به ختنی جدید متأخر هستند. وجود یک برگ از کتاب زمبسته به خط براهمی ترکستانی آغازی بدین معنی است که این اثر پیش از سدهٔ پنجم میلادی نوشته شده است و ویژگی ترجمه‌ای بودن آن غالب است. افزون بر این در فصل بیست و سوم همین اثر (بندهای ۲-۶) به این که

^۱- در ختنی دو شکل از زبان تمیز داده می‌شود یکی ختنی قدیم و دیگری ختنی جدید. ختنی جدید در متون متعدد بازرگانی، رسمی، پزشکی و دینی که عموماً به مرحلهٔ میان سدهٔ هشتم و نیمهٔ اول سدهٔ نهم میلادی تعلق دارند، دیده می‌شود. تفاوت ختنی جدید نسبت به قدیم، تحولات آوایی و کاهش صورت‌های صرفی است (بیلی، ۱۹۶۶).

^۲ - Ratnakūṭa

^۳ - Saṅghāta

^۴ - Suvarṇabhāṣottama

^۵ - Zambasta

متن ترجمه از متون بودایی است، اشاره شده است.^۱ همه این نکات حکایت از آن دارد که این اثر ممکن است نخستین متن ادبی نوشتاری به زبان ختنی باشد. بخش اعظم متون ادبی موجود، آثار بودایی و بیشتر آنها ترجمه از سنسکریت است (مجی، همان).

۴- رواج دین بودا در ختن

تعیین زمان دقیق ورود دین بودا به ختن دشوار است. آیین بودا ظاهراً ۱۶۵ سال پس از بنیان‌گذاری ختن، یعنی حدود سال ۸۴ پ.م. در دوره فرمانروایی ویجیته سم بوه^۲، نوه پسر کوستنه^۳، پسر اشوکه^۴، به ختن راه یافت. او سلسله پادشاهی خود را در ختن بنیان گذارد و بنابر گزارش سالنامه‌های قدیم ختن، در همین زمان راهبی به نام اریه ویرچنه^۵ از کشمیر به ختن آمد و شاه برای او معبد بزرگی در نزدیکی پایتخت بنا کرد و همین معبد، ظاهراً نخستین دیر (بهار^۶) است که در ختن بنا شده است. از همان سال ۸۴ پ.م.، ختن مرکز عمده مطالعات بودایی شد. ختن پیش از سفر جهانگرد مشهور چینی فاسیان^۷، حدود ۴۰۱ م. به عنوان یکی از مراکز معروف در زمینه تحصیلات بودایی شناخته بود. چوشین سونگ^۸، راهب بودایی چینی، به منظور مطالعه آثار مکتوب بودایی به ختن آمد و تعدادی از آثار اصیل بودایی را گرد آورد و به چین فرستاد. موکشله^۹، راهب بودایی اهل ختن در سال ۲۹۱ م. به چین رفت و تمامی آثاری را که چوشین سونگ به چین فرستاده بود به کمک یک راهب هندی ترجمه کرد (امریک، ۱۹۷۹).

شکوفایی مکتب مهاییانه^{۱۰} آیین بودایی در ختن توسط مسافران چینی بودایی به روشنی بیان شده است. در سال ۴۸۰ م. فاسیان به ختن رفت و با همراهانش در گومتی ویهاره^{۱۱}، یکی از مراکز آموزشی آیین بودا در آسیای مرکزی، ساکن شد. این جهانگرد در سفرنامه خود این معبد و وضعیت آیین بودا را در ختن این گونه توصیف می‌کند: «ده‌ها هزار راهب پیرو مکتب مهاییانه آنجا هستند. خانه‌هایشان در واحه‌ها، همچون ستارگان، پراکنده‌اند و مقابل در هر خانه‌ای عبادتگاه کوچکی وجود دارد. غیر از بهارگومتی، معابد مهم دیگری نیز در ختن هست. معبد جدید شاه که ساخت آن هشت سال طول

^۱ - ۲/۲۳: «قصدم دارم برای آسایش همه موجودات، این را به ختنی ترجمه کنم، این داستان را که چگونه ایزد بودا از خدایان سی و سه گانه (*Trāyastriṃsa*) فرود آمد.» (امریک، ۱۹۶۸: ۲۸۶).

^۲ - Vijitasambhava

^۳ - Kustana

^۴ - Aśoka

^۵ - Aryavaircana

^۶ - vihāra

^۷ - Faxian

^۸ - Chu-Shin-Hsung

^۹ - Mokṣala

^{۱۰} - Mahāyāna

^{۱۱} - Gomati-Vihāra

کشید، دومین بهار بزرگ ختن است و در خارج شهر قرار دارد.» تعدادی از استادان معروف هندی نیز در همین معبد اقامت داشته‌اند و سیاحان چینی بسیاری برای فراگیری آیین بودایی راهی ختن می‌شدند. راهبان این معبد شمار قابل توجهی از آثار مربوط به دین بودا را نوشته‌اند. سوان زانگ^۱ دیگر مسافر چینی در سال ۶۴۴م. سر راه بازگشت از هند، به ختن رسید و هفت تا هشت ماه را در آنجا گذراند. او در سفرنامه خود موقعیت آیین بودا را در ختن اینگونه بیان می‌کند: «اینجا حدود یکصد معبد وجود دارد و حدود پانصد راهب در آنها زندگی می‌کنند و همه از پیروان مکتب مهاییانه هستند.» به هر صورت موقعیت برتر مکتب مهاییانه در ختن از خود متون ختنی بودایی موجود روشن است، چه تقریباً تمام آنها از متون مهاییانه‌ای است و تنها چند متن از نیمه دوم سده دهم میلادی، به ویژه به وجریان^۲ یا گردونه الماس به «آیین بودایی باطنی» منسوب است. بنابر این، متون ختنی بودایی منبع اصلی آگاهی ما از چگونگی گسترش مکتب مهاییانه در آسیای مرکزی است که تا غلبه قراختائیان، کمی پیش از سال ۱۰۰۶م، دژ مستحکم این مکتب آیین بودا بوده است (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۱۴؛ بیلی، ۱۹۸۲: ۵۳؛ مجی همان).

۵- روش‌های ترجمه

بیشتر متون ختنی بودایی از زبان سنسکریت ترجمه شدند گرچه اصل این آثار همیشه موجود نیست و بسیاری از متون تنها به زبان‌های چینی و تبتی شناخته شده‌اند. زبان ختنی برای بیان واژگان بسیار فنی دین و فلسفه بودا، از روش‌های گوناگون ترجمه سود جسته است. از آنجا که واژه‌های هندی بسیاری (سنسکریت و پراکریت) از قبل، احتمالاً پیش از نخستین متون و ترجمه‌های موجود، وارد گنجینه واژگان ختنی شده بود، مترجمان راهکار را در به کار بردن آن وام‌واژه‌ها و نیز ادامه استفاده از اصطلاحات و واژه‌های فنی سنسکریت دیدند. از سوی دیگر بسیاری اصطلاحات هندی به واژه‌های ختنی اصیل برگردان شدند. بر این اساس نینده^۳ ختنی به معنی «راهب» و سنساره^۴ به معنی «دایره حیات»، آن گونه که آواشناسی نشان می‌دهد، از صورت پراکریت وام گرفته شده‌اند (صورت سنسکریت آنها به ترتیب nirgrantha- و samsāra)، در حالی که ستوه^۵ ختنی به معنی «موجود» برگردان sattva- سنسکریت است. از سوی دیگر، اصطلاحات و واژه‌های سنسکریت بسیاری به واژه‌های اصیل ختنی برگردان شده‌اند، مثلاً sattva سنسکریت به ازنتوره^۶ ختنی نیز برگردان شده است (از ایرانی باستان uz.ana.bāra: دم برنده، برنده دم). یک اصطلاح سنسکریت ممکن است به بیش از یک

^۱ - Suang Zang

^۲ - Vajrayāna

^۳ - niyaṇḍa-

^۴ - samtsāra-

^۵ - satva-

^۶ - uysnaura

معادل در زبان ختنی برگردان شده باشد، مثلاً ترکیب بوده کشیتره^۱: «کشتزار بودا» که در سوتره سنگاته به بلزانه -چارمی^۲: «سرزمین بودا» و بلزانه -میشه^۳: «کشتزار بودا» و به وام واژه‌های لوه‌داته^۴: «نظام جهان» و بوده کشیتره برگردان شده است. گاه یک واژه ختنی معادل اصطلاحات گوناگون سنسکریت به کار رفته است، مثلاً بلزوسستی^۵ که در سوتره سنگاته به بودی^۶ سنسکریت به معنی «بیداری» و «آگاهی»، نیز به سم بودی^۷ به معنی «بیداری کامل»، و بودتو^۸ به معنی «بودا گی» و بوده جینانه^۹ به معنی «دانش بودا» برگردان شده است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۴؛ مجی، همان).

زبان ختنی به ترجمه‌های تفسیری (ترجمه همراه با شرح) در خط سنت شروح بودایی پای بند است؛ مثلاً در مورد تناگته^{۱۰} سنسکریت به معنی «چنین رفته» که در سوتره سنگاته به عبارت kye hutsutu pando tsute به معنی «کسی که به راه خوش رفته است» و kye rrašto tsūmato tuste به معنی «کسی که به راه راست رفته» و در سوتره وجره چدیکا (سوتره الماس Vajracchedikā) به -ttāharā-tsūka- به معنی «خوش رفته» و -ttāhirau-hvāñāka- به معنی «خوب گو» و در سوتره اپریمیتایوه^{۱۱} به -rrašta-tsūka- به معنی «به راه راست رفته» برگردان و تفسیر شده است (مجی، همان). روی هم رفته تعداد وام واژه‌ها در ختنی جدید که غالباً ترجمه‌های تفسیری در آن دیده می‌شود، بیشتر از ختنی قدیم است. علت این امر، احتمالاً نگارش متون ختنی جدید، چند سده پس از آشنایی ختنی‌ها با آیین بودا و مفاهیم دینی آن بوده است.

در سوتره سوورنه باسوتمه^{۱۲} به زبان ختنی قدیم، نام شری^{۱۳}، ایزدبانوی هندی ثروت یا به همین شکل و یا به صورت śśandrāmātā برگردان شده است؛ در اصل نامی ایرانی است که از سنت دینی زردشتی شناخته است و معادل اوستایی -spəntā-ārmaiti- به مفهوم «درست اندیشی مقدس» و یا تجسم آن «سپنتا ارمیتی»، امشاسپند موکل بر زمین، است و آن گونه که śś آغازی (از -čū*ایرانی آغازی) نشان می‌دهد مستقیماً اصل و تبار ایرانی باستان دارد. ترکیب ختنی جدید ttaira.haraysā به عنوان مترادفی برای سومرو^{۱۴}، کوه جهان، در کیهان‌شناسی بودایی، با ترکیب اوستایی

¹ - Buddha- kṣetra-

² - balysāna-tcārmi-

³ - balysāna- māṣṣa-

⁴ - lovad(h)āta-

⁵ - balysūsti

⁶ - bodhi

⁷ - sambodhi

⁸ - buddhatva

⁹ - buddha-jñāna-

¹⁰ - tathāgata-

¹¹ - Aparimitāyuh

¹² - Suvarṇabhāsottama

¹³ - Śri

¹⁴ - Sumeru

taēra-harā-bərəz- «تیرک هرای بلند (قله البرز)» مطابقت می‌کند (بیلی، ۱۹۴۳: ۲۲۶ و ۱۹۷۹: ۱۳۳ و ۳۹۵ و ۱۹۸۲: ۴۸-۵۱).

در خصوص روش‌های ترجمه، روایت‌های ختنی، با توجه به وفاداریشان نسبت به اصل آثار، از ترجمه‌های نزدیک به اصل تا تفسیرهای آزاد در نوسان است. در واقع فعل ختنی -byūh به معنی «ترجمه کردن»، برای همه انواع ترجمه به کار رفته است. ترجمه‌های سوتره‌ها، به ویژه سوتره‌های قدیم‌تر، تا حد امکان اصل آثار را بازآفرینی می‌کنند، زیرا سوتره‌ها «سخنان بودا» تلقی می‌شدند. مثلاً سوتره سنگاته به ختنی قدیم، مگر در مورد حذف سخنان غیرضروری یا افزایش سخنان لازم، از متن سنسکریت موجود دور نمی‌شود و در مورد عبارت‌های بسیار بلند، کاملاً به اصل سنسکریت وفادار است. برگردان‌های منظوم از ترجمه‌های منثور آزادتر است. بر این اساس، متن منظوم ختنی جدید برده-چریادیشنا^۱ برگردان آزاد اصل سنسکریت بودایی و در بعضی موارد بیشتر تفسیر است (مجی، همان).

ختنی‌ها به برگردان‌های صرفاً تحت‌اللفظی قانع نبودند، بلکه می‌کوشیدند تا معنی اصلی آثار تحریف نشود. عبارت زیر از فصل ۲۳ بندهای ۷-۸ کتاب زمیسته (امریک، ۱۹۶۸: ۳۴۳) دلیلی بر این مدعا است: بند ۷- حتی یک موجود معمولی نباید سخنی بگوید که هیچ معنی ندارد. چقدر کمتر (= به طریق اولی) بودای همه آگاه نباید سخنان بی‌معنی بگوید.

بند ۸- در سخنان اصل معنی است. معنی، به واقع، آن اندازه اساسی است که باید چنان به آن بنگرید که قانون بتواند با آن معنی، بیان شود.

و پیش درآمد ختنی بر برگردان ختنی سیده‌ساره^۲ با این سخنان آغاز می‌شود: «بودا، آیین (=درمه)، انجمن راهبان (=سنگه) با نماز به سوی سه گوهر^۳ می‌روم، با ایمان، با عشق <...> ای مهشوره^۴، برهما، باشد که آنان مرا مراقبت کنند تا بتوانم این رساله را بنابر معنی <راستین> آن، ترجمه کنم». گرایش به فراهم آوردن برگردان‌های روشن از معنی اصلی آثار، گاه سبب شده است تا مترجمان ختنی، متن را بسط و گسترش دهند و حتی آرا و تعبیرهای خود را وارد متن سازند، چنانچه در مورد روایت ختنی جدید سوتره الماس^۵ این‌گونه عمل کردند. بیشترین آزادی عمل در تهذیب داستان‌ها و قصه‌ها روی داده است که مترجمان به جای ترجمه، به بازگویی داستان‌ها پرداختند. در این موارد، نه تنها نخستین مترجم، بلکه رونویسگران بعدی و احتمالاً آنانی که به بازسازی آن روی آوردند، چنین می‌اندیشیدند که متن قابل تغییر نیست، اما قابل تعدیل، بازآرایی و اصلاح است.

^۱ - Bhadracaryādeśnā

^۲ - Siddhasāra

^۳ - منظور از سه گوهر (triatna-) یا سه پناه (trisarana) در آیین بودا: بودا (Buddha)، آیین بودا (dharma) و انجمن رهبانان یا رهروان (sangha) است (نیز نک. میرفخرایی ۱۳۸۸: ۵).

^۴ - Maheśvara

^۵ - Vajracchedika

روایت‌های ختنی، به ویژه در مورد ترجمه‌های نزدیک به اصل آثار، آگاهی سودمندی برای نقد متون سنسکریت بودایی به دست می‌دهند، زیرا عموماً قدیم‌تر از نخستین دستنویس‌هایی‌اند که متن سنسکریت متناظر خود را حفظ کرده‌اند (مجی، همان).

۶- طبقه‌بندی متون ختنی بودایی

متون غیرآموزه‌ای را می‌توان بر حسب نوع آنها طبقه‌بندی کرد، اما در مورد متون ختنی بودایی کار با مشکل روبه‌رو است. از آنجا که معدودی از دستنویس‌ها تاریخ‌گذاری شده‌اند، ادبیات ختنی بودایی را، نه از دیدگاه تاریخی، بلکه براساس متون مقدس بهتر می‌توان طبقه‌بندی کرد. فهرست سوتره‌ها، تقریباً در فصل ششم کتاب زمبسته (امریک، ۱۹۶۸: ۱۱۶) آمده است که مصنف در بند نخست آن می‌گوید:

«کامیابی! پیش از همه قانون را نماز می‌برم که از طریق آن همه ناپاکی (کله‌ش)ها متوقف می‌شوند. اکنون از هر سوتره‌ای، بیتی را بیان می‌کنم. باشد که بشنوید».

اگر تمام ابیات بعدی این فصل قابل شناسایی بود، حداقل پنجاه و نه متن سوتره‌ای در زمانی که کتاب زمبسته در ختن تصنیف شد، قابل تأیید بود. هیچ اطمینانی نیست که ترجمه ختنی تمام پنجاه و نه سوتره ذکر شده در فصل ششم زمبسته، همچنین آثاری که با عنوان، نام برده شده‌اند، هرگز وجود داشته است. در واقع احتمال می‌رود که در ختن، متون بودایی به زبان ختنی یا سنسکریت خوانده می‌شدند و یا بعضی متون اصلاً ترجمه نشدند. فهرست رسمی از آثار ختنی بودایی در دست نیست، اما این متون بر اساس اصول نظام‌مند دینی-تاریخی، به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند (امریک: ۱۹۷۹؛ بیلی، ۱۹۸۲: ۶۳-۸۷؛ مجی، همان):

۶-۱- آثار آموزه‌ای بومی و اصیل ختنی

- Zambasta
- Mañjuśrīnairātmyāvatārasūtra
- Vimalakīrti

۶-۲- اودانه^۲ یا داستان‌های روایی

- Sudhanāvadāna
- Aśokāvadāna
- Kaniṣkāvadāna
- Nandāvadāna
- Rāmāyāna
- Jātakastava

^۱ - kleśa

^۲ - Avadāna

۳-۶- سوتره‌های مه‌ایانه:

- Vajracchedikāsūtra یا الماس سوتره
 - Hr̥dayasūtra یا سوتره دل و Mahāprajñāpāramitāsūtra
 - Adhyardhaśatikāprajñāpāramitāsūtra و Kauśikaprajñāpāramitāsūtra
(به سنسکریت و به خط ختنی جدید)
 - Saddharmapuṇḍarīkasūtra یا سوتره نیلوفر
- ۴-۶- دیشنا (deśanā : اعتراف، اقرار)ها و متن‌های عبادی

- Bhadracaryādeśanā

۵-۶- متن‌های آموزه‌ای

- Ratnakūṭasūtra
- Sukhāvatīvyūhasūtra و (Amitāyus) سرود برای آمیتایوس
- Saṅghāṭasūtra
- Bhadrakalpikasūtra و متن‌های نامو (namo: نماز و احترام)
- Bhaiṣajyaguruvaiḍūryaprabharājasūtra
- Vimalakīrtinirdeśasūtra
- Śūraṅgamasamādhisūtra
- Suvarṇabhāṣottamasūtra
- Pradakṣiṇasūtra
- Karmavibhanga
- Dharmaśāṭrasūtra
- Aparimitāyusūtra

۶-۶- دارنی (dhāraṇī) ها، وردها و افسون‌ها

- Sumukhasūtra
- Jñānolkadhāraṇī
- Mahāsāhosrapramardanī
- Avalokiteśvaradhāraṇī و Amṛtaprabhadhāraṇī

۷-۶- مجموعه بوداسف و دیگر متن‌های آموزه‌ای

۸-۶- آیین بودای باطنی

۹-۶- متن‌های غیرآموزه‌ای

- اشعار غنایی / غزل‌واره
- نامه‌های منظوم
- سخریه
- مدیحه
- سفرنامه و جغرافیا

– متون پزشکی

– متون دوزبانه

نظر به اهمیت آثار آموزه‌های بومی و اصیل ختنی، سه اثر این گروه و از دیگر گروه‌ها، آثاری که از اهمیت برخوردارند، انتخاب و معرفی می‌شوند.

۶-۱- آثار آموزه‌های بومی و اصیل ختنی

۶-۱-۱- کتاب زمبسته

زمبسته نامی است که بیلی برای بلندترین متن به جا مانده ختنی، اشعاری در باره بودا و دین او، پیشنهاد کرده است. این اشعار به درخواست مقامی رسمی به نام «زمبسته» سروده شده است. زمبسته بر پایه منابع هندی تصنیف شده اما ترجمه مستقیم از آنها نیست. این اثر از آنرو حائز اهمیت است که به عنوان تصنیفی اصیل و بومی به زبان ختنی، در چندین فصل آموزه‌های مکتب مهاییانه بودایی را شرح و تفسیر می‌کند. زمبسته از نظر ادبی نیز با ارزش است زیرا گاه دربردارنده داستان‌های زنده و عبارت‌های شاعرانه است مانند توصیف بهار در فصل بیستم و وصف کوه‌ها در فصول مختلف سال در فصل هفدهم.^۱ نظر غالب بر این است که زمبسته زودتر از سده هفتم میلادی تصنیف نشده، اما این احتمال نیز هست که دیرتر از سده پنجم میلادی نوشته نشده باشد. برگ‌نوشته‌ای به خط براهمی ترکستانی آغازی، تاریخ نیمه دوم سده پنجم میلادی را دیرترین زمان تصنیف به دست می‌دهد. زمبسته به عنوان طولانی‌ترین متن ختنی شناخته، منبع اصلی دانش ما از زبان ختنی به شمار می‌رود. زمبسته در سه وزن متفاوت سروده شده و مأخذ اصلی آگاهی ما از وزن شعر ختنی نیز هست.^۲ از تعداد زیاد دستنویس‌های موجود از این متن، می‌توان به اهمیت و جذابیت زمبسته در ختن پی‌برد. کتاب احتمالاً شامل بیست و پنج فصل بوده که بیست و چهار فصل آن به‌طور کامل یا ناقص موجود است. فصلی با ۵۵ بیت که در

^۱ - چند بیت از فصل بیستم در وصف فصل بهار، این‌گونه آغاز می‌شود:

«موفقیت! چنین شنیده شده است: زمانی بودا با شمن‌های بسیاری در شراوستی (Śrāvastī) اقامت داشت. بوداسف‌های بسیار زیادی آنجا بودند. بهار آمده، جهان گرم شده، گل‌ها گوناگون‌اند. همه درختان بالیده‌اند. شاخه‌ها جوانه زده‌اند. با وزش باد بسیار می‌لرزند. نسیم از درختان خوش می‌بوید. برکه‌های نیلوفری، چشمه‌ها، تالاب‌ها، کوه‌ها افزوده‌اند. مرغان ترانه‌های بسیار دل‌انگیز سر می‌دهند. آب‌ها بر کناره‌های زرگون چشمه روان شده‌اند. روزها ابری، زاینده‌گان بسیار پرشور و گرم‌اند. در هر گوشه بلبل‌ها بس نغمه می‌سرایند. نواها گوناگونند، آهسته و بلند. زنان و مردان از عشق سرمست و پرشوراند.»

^۲ - بخش اعظم ادبیات ختنی منظوم است. وزن ختنی قدیم و جدید ظاهراً بر پایه اصول متفاوتی بنا شده است، اما در هر دو مورد، هر بند معمولاً شامل دو بیت و هر بیت دارای دو مصراع است. وزن شعر ختنی قدیم، که عمدتاً از کتاب زمبسته شناخته است، اساساً کمی است. روشن نیست که وزن شعر در ختنی قدیم ساختاری بومی داشته یا از الگوهای ناشناخته هندی اقتباس شده است. شعر ختنی قدیم در مرحله گذار از کمیت به وزن ضربی است که در نهایت در ختنی جدید، وزن ضربی کاملاً جایگزین وزن کمی شده است (نیز نک، مجی، همان؛ امریک، ۱۹۶۸: ۴۳۷-۴۴۰).

اصل میان فصل‌های ۲۱ و ۲۲ قرار داشته، اکنون گم شده است. ساختار صوری و شرح موضوع از نقطه نظر آموزه دین بودا نیاز به بررسی بیشتر دارد، اما کتاب به عنوان تألیفی بومی بودایی، فنون و شیوه‌های تصنیفی ایرانی‌تبار را نشان می‌دهد. چنین شیوه‌ای از ساخت متمرکز اثر قابل دریافت است. دو فصل نخست تفسیرهایی از سوتره‌هایی با محتوای افسانه‌ای است. فصل‌های آموزه‌ای ۳-۱۲ با فصول آموزه-ای ۱۴-۲۱ الف مقارن است که فصل سیزدهم میان آنها قرار دارد. فصل ۱۳، یعنی فصل مرکزی بیست و پنج فصل (فصل ۲۱ الف گم شده است)، امتیازها و برتری‌های مکتب مهاییانه را نسبت به مکتب شرآوکه‌یانه^۱ (گردونه شنوندگان) به تفصیل برمی‌شمارد و بدین ترتیب هسته و مرکز تمام اثر را تشکیل می‌دهد. مرکزیت محتوای این فصل، با ساختار متحدالمرکز آن برجسته می‌شود. نمونه خوبی از این نوع طرح، یسنای اوستا است که دارای ساختار متحدالمرکز مشابهی است، بدین شکل که فصل‌های یسن‌های اوستای نو، هفده فصل منظوم یعنی گاهان (۲۸-۳۴، ۴۳-۴۶، ۴۷-۵۰، ۵۱، ۵۳) را محصور کرده است و یسن‌های هفت‌ها (۲/۳۵-۴۱)، به نوبه خود، در گاهان محصور شده است (نیز امریک، ۱۹۶۸: Xi-XXi).

۶-۱-۲- منجوشری نایراتمیواتاره سوتره

سوتره‌ای برای منجوشری درباره تحقق آموزه «نداشتن خود»^۲، تصنیفی منظوم و اصیل به ختنی جدید است. دوندره شوره سینهه^۳ این اثر را در زمان ویشه شوره^۴، شاه ختن، تصنیف یا رونویسی کرده است. این آموزه مکتب مهاییانه بر اساس منابع گوناگون از جمله ادبیات آغازی ختنی توصیف شده است. چندین بیت به ختنی جدید، برگردان ابیاتی از کتاب زمبسته به ختنی قدیم و تعدادی نیز از سوتره و جره‌چدیکه ختنی است. فهرستی از تمثیل‌ها نیز، در آغاز فصل ششم سوتره ویمله کیرتی‌نیردیشه^۵ یافت می‌شود. توصیفی از سه کلشه آز، کینه یا نفرت و فریب-معادل سنسکریت راگه^۶، دویشه^۷ موهه^۸ - که تاکنون در جای دیگری دیده نشده، به عنوان غول‌ها و شاهان راکشسه^۹ها قابل توجه است. در پیش درآمد متن، نویسنده دوندره شوره سینهه، بوداهای سه زمان، آیین (= درمه)، راه بوداهای سه زمان، انجمن راهبان، سه گوهر برتر، رهاندگان همه موجودات، آموزه «نه خود»، نیروانه و رستگاری را نماز می‌برد.

^۱ - Śrāvākayāna

^۲ - nairātmya

^۳ - Devendraśūrasimha

^۴ - Viśa śura

^۵ - Vimalakīrtinirdeśasūtra

^۶ - rāga

^۷ - dveṣa

^۸ - moha

^۹ - Rākṣasa

۶-۱-۳- سوتره ویمله‌کیرتی نیردیشه

چکیده‌ای منظوم از آموزه‌های مهاییانه‌ای، به شکل پرسش و پاسخ و به احتمال زیاد تصنیفی بومی و اصیل به زبان ختنی جدید، با نقل قول‌هایی از متون دیگر است. آغاز و پایان متن که ممکن است عنوان اثر را داشته، رونویسی نشده است و مطلب با نام بردن از بوم^۱ چهارم، از ده بوم، راه بوداسف آغاز آغاز می‌شود:

«چهارمین بوم ارچیشمتی^۲ (رخشان) است که همه کله‌ها را می‌سوزاند. سودورجیا^۳ پنجمین بوم است که بر همه کله‌ها غلبه می‌کند که پیروزی بر آنها دشوار است. بوم ششم ابی‌موکی^۴ (رو به رو یا پیش‌رو) نام دارد. همه بوداها اینجا آشکار (abhimukha) هستند. دورنگما^۵ (دورگام) هفتمین بوم است. سنساره در این مقام از بوداسف دور می‌شود. باید بوم هشتم، بوم اچله^۶ (بی‌جنبش) را شناخت. آنجا کالبد درمه بی‌حرکت است. آنگاه، در بوم هشتم، پرتوهای پاک، همزمان، که از طریق آنها سه جهان به روشنی می‌درخشند، پدید می‌آیند. نیلوفر درخشان گوهرنشان آنجا است. بوداسف، آن زمان، بر آن می‌نشیند. بوداسف‌های دیگر او را می‌نگرند. جانداران در آن زمان به پناه دست می‌یابند. سپس او با انتشار پرتوهای نور، کرورها موجود را نجات می‌دهد. سادومتی^۷ بوم نهم است. موفقیت (ساده)^۸ بزرگ است. راز بودا هر چه باشد، بوداسف می‌داند که چگونه آن را کاملاً تشخیص دهد. بوم دهم میغ درمه^۹ (آبرآیین) است. آنجا او (= بوداسف) همه‌آگاهی و ده نیروی بوداها را به دست می‌آورد.»

۶-۲- ادبیات اودانه یا داستان‌های روایی

اودانه‌ها (سنسکریت ava.dāna: کار سترگ و درخشان) گونه‌ای ادبی است که مکتب مهاییانه را با آیین بودایی کهن پیوند می‌دهند. این گروه شامل داستان‌های تهذیب‌شده‌ای است که نتایج اعمال خوب و بد را نشان و نکات آموزه‌ای را شرح می‌دهند که در مکتب مهاییانه، گرایش به تأکیدگذاری بر آرمان بوداسف (= بودای آینده) دارد، بوداسف که از روی خرد و دلسوزی، خاموشی خود را با هدف نجات موجودات رنج کشیده، به تأخیر می‌اندازد. بوداسف با بیان اعمال قدیسان بودایی، به ویژه کارهای بودا شاکیه‌مونی^{۱۰} طی زنجیره طولانی زایش‌ها که پیش از آخرین زندگی‌اش روی داده، به این مهم دست می‌یابد. اودانه‌ها شامل متون نظم و نثراند. ویژگی روایت‌های ختنی، به کارگیری شیوه موجزی است که

1- bhumī

2- Arciṣmatī

3- Sudurjayā

4- Abhimukhī

5- Dūraṃgamā

6- Acala

7- Sādhumī

8- sādhana

9- Dharmamegha

10- Śākyamuni

روایت را بسیار زنده جلوه می‌دهد. این داستان‌های روایی، همه به ختنی جدید و از ناحیه دون‌هوانگ است.

۶-۲-۱- سودناودانه

اودانه سودنه به ختنی جدید، در قالب داستان به بازگویی یکی از زندگی‌های پیشین بودا، از زبان خودش، برای همسرش یشودرا^۱ که نتوانسته زندگی جدا از بودا را تحمل کند، می‌پردازد. این داستان منظوم عشق شاهزاده سودنه و شاهزاده‌خانم منوهر^۲، جدایی‌شان به سبب توطئه برهمن بدکار، سفر پرماجرایی سودنه به سرزمین کینرها^۳ در جست‌وجوی همسر و پیوند دوباره آنها- سودنه در قالب بودا و منوهر در قالب یشودرا را روایت می‌کند. روایت ختنی که ترجمه‌ای از هیچیک از روایات شناخته داستان نیست، هماهنگی منحصر به فردی با سودنه‌کینریه‌ودانه^۴ سنسکریت از سده یازدهم میلادی، از شاعر کشمیری کشیمندره^۵ دارد. داستان با پیش‌درآمدی مهیاانه‌ای آغاز می‌شود:

«با احترام، بنابر استقرار سه گردونه در اقیانوس بزرگ، به سوی گوهر آیین می‌روم. تلاش‌های خوب و خردمندانه در هجده مکتب است که از راه پنجگانه به سوی بودا شدن پشتیبانی می‌کند. گفته می‌شود کارهای بوداسف حقیقت مشروط درست است. شیرشاکیه^۶ ها، زمانی که انسانی معمولی باشد، به یاری حقیقت، نیرو، حق‌شناسی و شکیبایی، دل‌ها را به سوی خود می‌کشد و از شادی لبریز می‌سازد».

۶-۲-۲- اشوکه ودانه

اودانه اشوکه^۷ اثری منثور است و به نظر نمی‌رسد که برگردانی از روایت‌های شناخته سنسکریت، تبتی و و چینی باشد. روایت ختنی، پس از معرفی کوتاه شاه اشوکه، تولد پسرش کوناله^۸ را روایت می‌کند و شرح می‌دهد «چون چشمان آبیش به زیبایی چشمان پرندۀ کوناله است بدین نام نامیده شده است». سپس، به کوتاهی، به شرح آموزش دینی کوناله توسط اوپه‌گوپته^۹ مهتر می‌پردازد و در ادامه، می‌آید که چگونه اشوکه وزیر بی‌دین خود یشس^{۱۰} را تحقیر کرده و سرانجام به بیان شورش شهر تاکششیل^{۱۱} (تاکسیل)، عزیمت اشوکه به قصد تاکششیل، کوشش ملکه تیشیه‌رکشیتا^{۱۲} برای از راه به در کردن کوناله و امتناع شاهزاده، بازگشت اشوکه و توطئه ملکه برای انتقام گرفتن از کوناله به کمک یشس

^۱ - Yaśodharā

^۲ - Manoharā

^۳ - Kīm-narī= Kinnarī

^۴ - Sudhanakinnaryavadāna

^۵ - Kṣemendra

^۶ - Śākya

^۷ - Aśoka

^۸ - Kunāla

^۹ - Upagupta

^{۱۰} - Yaśas

^{۱۱} - Takṣaśilā

^{۱۲} - Tiṣyarakṣitā

وزیر، که از رفتار شاهزاده احساس توهین کرده بود، می‌پردازد. در اینجا داستان قطع می‌شود. شروو (۱۹۹۸) تصور می‌کند که بخش گم‌شده این اودانه ختنی ممکن است ارجاع‌هایی به افسانه پایه‌گذاری ختن داشته که در منابع تبتی و چینی به اشوکه و کوناله منسوب شده است. همو اشاره می‌کند که در خود داستان نیز بازتاب «سنت حماسی ایرانی» دیده می‌شود چه سرگذشت ملکه و شاهزاده کوناله نظیر داستان سیلوش و سودابه شاهنامه فردوسی است (بیلی، ۱۹۶۶b).

۶-۲-۳- راماینه

داستان منظوم رامه^۱ و سیتا^۲ در قالب اودانه به ختنی جدید است و جوهر داستان هندی است و شرحی بودایی بدان افزوده شده است. قهرمان داستان رامه یا بودا شاکیه‌مونی و برادر و همراهش لکشمنه^۳ با بودای آینده میتیه^۴ یکی دانسته شده است. داستان به شکل کاملاً زنده‌ای، آنگونه که معمول اودانه‌های ختنی است، روایت می‌شود و سرشار از مطالب و داده‌های افسانه‌ای است؛ نه تنها میمون‌ها، بلکه مورچگان، کلاغان و الاغ‌ها نیز در این داستان ظاهر می‌شوند. فرازی از ماجرای ربوده شدن سیتا توسط دشه‌گریوه^۵، به عنوان نمونه، نقل می‌شود:

«ننده^۶ میمون اینگونه فرمان داد: سیتا در جمبودیپه^۷ گمشده است. هفت روز تمام او را جست‌وجو کنید کنید و زمانی که او را یافتید، گزارش دهید. پس (اگر) سیتا را پیدا نکردید یا سخنی از او نشنیدید، همه اینجا گرد آید. چشمان همه شما را بیرون آورده و خوراک کلاغان خواهم کرد.» (برای آگاهی بیشتر از این اثر و خلاصه داستان نک بیلی، ۱۹۴۰a و b۱۹۴۰؛ مجی، همان).

۶-۲-۴- جاتکه ستوه

شعری به ختنی جدید با عنوان «ستایش تولدهای پیشین بودا»، بر پایه داستان‌های تهذیب شده‌ای است که از زایش‌های بوداسف، بودای آینده، شاکیه‌مونی، اما از گونه‌ای کاملاً متفاوت، برگرفته شده است. این اثر احتمالاً تصنیف اصیل ختنی است که درون مایه داستان را آزادانه بازگو می‌کند و ترجمه‌ای واقعی نیست. هدف این اثر ستایش نکوکرد (پونیه^۸)های بوداسف از طریق گزیده‌های فوق‌العاده موجز ۵۲ داستان از ۵۱ جاتکه^۹ (دو رویداد از داستان شاهزاده ویشونتره^{۱۰} گرفته شده) است، که بیشتر آنها در جاهای دیگر نیز آمده است. هر جاتکه دارای پیش‌درآمد و خاتمه است. بسیاری از چکیده‌ها با چنین عبارات ستایشی پایان می‌یابند:

¹ - Rāma

² - Sītā

³ - Lakṣmaṇa

⁴ - Maitrīya

⁵ - Daśagrīva

⁶ - Naṇḍa

⁷ - Jambudvīpa

⁸ - punya

⁹ - Jātaka

¹⁰ - Viśvantara

«تمام زمان‌ها، تو بهترین آموزگار من خواهی بود، تو پناه من خواهی بود، تو نجات من خواهی بود، ای مهربان. در همه جهان، برای همه جانداران زمین، پناهی به جز تو نیست. بزرگ هستند نیرو و دل تو».

۶-۳- سوتره‌های مهاییانه

آثار ادبی پرچنیاپارمیتا^۱ (کمال فرزانیگی) نخستین نوع سوتره‌های مهاییانه‌ای است که ویژگی تعلیمی قوی، مشخصه اصلی آنها است و این اندیشه را مطرح می‌سازد که تحقق تهیگی یا خلاء پدیده‌ها به راهی از دایره حیات (=سنساره) و به بیداری رسیدن (= بودا شدن) منتهی می‌شود. سوتره‌های این نوع ادبی شامل سوتره‌های طولانی، صد هزار پاره شانزده هجایی، و سوتره‌های کوتاه، تنها یک هجا (مثلاً a، علاوه بر آغاز و پایان سوتره) است. قابل ذکر است که تنها متون کوتاه به ختنی جدید، از ناحیه دون هوانگ موجود است که شامل: سوتره وجره چدیکا (الماس شکن)؛ سوتره هردیه (دل)؛ سوتره ادبرده شتیکا- پرچنیاپارمیتا است. متون متعدد دیگری نیز در شمار سوتره‌های عمده و بزرگ مهاییانه‌ای قرار دارند.

۶-۳-۱- سوتره وجره چدیکا (الماس شکن)

یکی از نخستین سوتره‌های پرچنیا پارمیتا، سوتره وجره چدیکا یا سوتره الماس شکن است، چکیده‌ای از آموزه‌ها به شکل گفت‌وگو میان بودا و سوبوتی^۲ است که روایت سنسکریت آن نیز موجود است. اثر پیش از آغاز ترجمه، درآمدی منظوم دارد که در روایت سنسکریت نیامده است و در ضمن بیان مطالب گوناگون، به عنوان اثر نیز اشاره می‌کند:

«۵- بودای همه-آگاه این کمال فرزانیگی را تصنیف کرد؛ او این (سوتره) را در سیصد پاره تری-شتیکا پرچنیاپارمیت^۳ اعلام کرد که وجره چدیکا نامیده می‌شود. ۶- این، همه اعمال (و) اشتیاق‌ها، نیز موانع (و) گناهان سنگین را همچون الماس می‌شکند».

روایت ختنی این سوتره اهمیت خاصی دارد زیرا از روایت سنسکریت اصیل شناخته شده آن تا حدی دور افتاده است. مترجم ختنی بدون تفکر پیش نرفته، بلکه کوشیده است تا معنی دقیق اصل اثر را دریابد و با تعبیر و به کمک شرح و تفسیر آن را به زبان ختنی برگرداند. بعضی از افزوده‌های توضیحی حاصل دانش مترجم است که از تفسیر اسنگه^۴ بر وجره چدیکا برگرفته است. نمونه‌ای از این بسط و گسترش، جایگزین ساختن تفسیری با هفده پاره به جای تنها یک پاره پایانی روایت سنسکریت است: «مانند ستارگان، خطای دید، همچون یک چراغ/ نمایش ساختگی، قطرات شبنم، یا یک حباب/ یک رویا، یک جرعه نور، یا ابر، پس باید آنچه را که مشروط است نگریست».

¹ - prajñāpāramitā

² - Subhūti

³ - Trīṣatikāprajñāpāramitā

⁴ - Asaṅga

در حالی که این قطعه در کتاب زمبسته (فصل ۶ بند ۱۵) تحت‌اللفظی ترجمه شده است: «همچون ستارگان، کوری نسبی، مانند جادو، شبنم، یک چراغ، یک رویا، مانند برق، ابرها، حباب‌ها در آب، چنین هستند همه این سمسکاره‌ها.»
روایت ختنی جدید تنها برای برگردان واژه نخست سنسکریت، در مورد تمثیل ستارگان، عبارت زیر را آورده است:

«درست همان‌گونه که ستارگان در آسمان پدیدار می‌شوند (و) پیوسته در شب می‌درخشند (اما) زمانی که غروب کنند، خورشید طلوع می‌کند (و) آنها همه بدون نور می‌شوند، این‌گونه است اندام‌های حسی، از چشم گرفته که باید ناپاینده تصور شود: زمانی که دانش درست پدید آید، آنها اصلاً دیده نمی‌شوند.»

۶-۳-۲- سوتره سددرمه پوندریکه سوتره (سوتره نیلوفر)

از این سوتره تنها یک سطر در کتاب زمبسته (فصل ۶ بند ۳) نقل شده است: «در آینده، تو، ای شاری‌پوتره^۱ بر زمین بودا خواهی شد، پدمه‌پره^۲ (گل تاب)، به نام، نیرومند، تو کرورها موجود را نجات خواهی داد.»

چکیده منظوم کاملی به ختنی جدید در یک دستنویس و دو روایت ناقص از ناحیه دون‌هوانگ پیدا شده است. هدف این چکیده «در دسترس قرار دادن معنی و مفهوم سوتره به زبان ختنی است تا مردم آیین، یعنی «معنی سوتره» را دریابند. این نکته، نیز بقایای قابل ملاحظه دستنویس‌های سنسکریت از این سوتره، از ختن، همه نشان از آن دارد که این متن هرگز به زبان ختنی ترجمه نشده است.

۶-۴- دیشنا (اعتراف، اقرار)ها و متن‌های عبادی

بدره چریادیشنا اثری به ختنی جدید است که از محبوبیت بسیاری در میان پیروان مکتب مهاییانه، از سده چهارم میلادی، برخوردار بوده است. در این متن عبادی، مؤمن معتقد، در شمار اول شخص مفرد، تمام بوداها را نماز می‌برد، پیمان پرهیزکاری می‌بندد، رسیدن به بیدارشدگی را متعهد می‌شود و برای دیدن بودا امیتابه^۳ و زایش دوباره در سوکاوتی^۴ (پاک بوم) وی، اظهار امیدواری می‌کند. اعتراف به گناه در بند ۱۲ روایت ختنی آمده است. مترجم ختنی دعایی در طلب یاری (در سه پاره) در آغاز و یک دعا (در یک پاره) در پایان افزوده است. روی‌هم‌رفته، برگردان ختنی تقریباً با سنسکریت نزدیک است ولی از نظر ملاحظات وزنی، ترجمه آزاد به شمار می‌آید. تفسیری از شانزده پاره آغازی (۴-۲۱) به ختنی قدیم در کتاب زمبسته (فصل ۱۱ بندهای ۶۲-۷۷) آمده است:

« ۶۲- همه بوداهای سه زمان را در ده جهت نماز می‌برم، بهترین آموزگاران همه-آگاه را که دژهای مستحکم جهان هستند. ۶۳- آیین مهاییانه را نماز می‌برم، پاک، بهترین، راستین، که از طریق آن همه

^۱- Śāriputra

^۲- Padmaprabha

^۳- Amitābha

^۴- Sukhāvati

بوداهای سه زمان، بهترین بودی^۱ (بیدارشدگی) را دریافتند. ۶۴- همه بوداسفها که به راستی، برای آسایش همه موجودات بهترین بودی را جستوجو می‌کنند، همه این‌ها را نماز می‌برم. در متن‌های ختنی نیز اصطلاح دیشنای سنسکریت نه تنها در معنی «آموزه (دینی)» بلکه «اقرار» به گناه و دوری جستن از گناه در آینده و اعتراف به ایمان داشتن به بوداها و بوداسفها و نیز در مفهوم پیمان بستن برای رسیدن به بیداری و نجات جانداران از درد و رنج، به کار رفته است. مفاهیم «اقرار» و «اعتراف» تا حدی هم‌پوشانی دارند زیرا قبول گناه پیش‌شرط پذیرش پیشه و کار درست است که به بیداری منجر می‌شود (برای آگاهی بیشتر نک. آسموسن، ۱۹۶۱).

متن دیشنای دیگری که از سنسکریت ترجمه شده دیشنا پیورته^۲ (فصلی بر اقرار) از سوتره سوورنه باسوتمه است. تعدادی از متون دیشنا که در ختن تصنیف شده، عبارت‌اند از متن منظوم که احتمالاً به شاهزاده Tcūm-ttehi، یکی از پسران ویشه‌سم‌بوه^۳، شاه ختن، منسوب است. از آنجایی که دیشناها با آیین بوداها و بوداسفها مربوط هستند، دو متن اولوکیئتسوره دارنی و سرودی برای امیتایوس نیز در این گروه قرار می‌گیرند. متون دیگری که از نظر کارکرد شبیه دیشناها هستند، متون نامو است که در آن قول جبران گناهان سنگین پیشین به آنانی داده می‌شود که ناموها را بشنوند، برابند و یا به نوشته درآورند.

۶-۵- متون آموزه‌ای یا تعلیمی

۶-۵-۱- سوتره رتنه‌کوته (انبوه گوهرها)

این سوتره در باره آرمان بوداسف و دربردارنده تعدادی تمثیل و حکایت و یکی از نخستین متون مکتب مهاییانه است و دو مکتب فلسفی مدیمکه^۴ و یوچه‌گاره^۵، آن را یکی از اساسی‌ترین متون مکتب مهاییانه به شمار آورده‌اند.

۶-۵-۲- سوتره سنگاته

سنگاته یا سوتره یک جفت پرسش، یکی از متون محفوظ مانده به ختنی قدیم است. «جفت» که در عنوان اثر آمده است، ظاهراً به دو رشته پرسش اشاره دارد که از سوی بوداسف سروه شوره^۶، تا پرسش ۱۷۱، و بوداسف بیشجیه سینه^۷ تا پایان سوتره، پرسیده می‌شود. متن دربردارنده داستان‌ها و تشبیه‌های جالب است و نمونه‌ای از متون مقدس است که مکتب مهاییانه را توصیف می‌کند. سوتره، آیین بودا و به ویژه خود سنگاته را بزرگ می‌دارد:

«این اثر که به عنوان سوتره عرضه می‌شود، می‌تواند همه گناهان هر کسی را که به آن گوش

^۱ - bodhi

^۲ - Deśanāparivarta

^۳ - Viś'sambhava

^۴ - Madhyamaka

^۵ - Yocagāra

^۶ - Sarvaśura

^۷ - Bhaiṣajyasena

⁷ - *Mañjuśrī*

۶-۷- مجموعه‌های بوداسف و دیگر متون آموزه‌ای

تعدادی متن به گروه رساله‌های آموزه‌ای بودایی شاستره^۱ اختصاص دارند. در میان آنها بقایای قابل توجهی از یک اثر به ختنی قدیم که به طور مرسوم «مجموعه‌های بوداسف» نام‌گذاری شده‌اند، دیده می‌شود که متن‌های متناظر شناخته‌ای ندارند. این اثر منشور به وظایف بوداسف‌ها می‌پردازد.

۶-۸- آیین بودای باطنی یا خاص فهم

تا آنجا که به وجریان (گردونه‌الماس) یا آیین بودای باطنی مربوط می‌شود این حقیقت که این آیین در میان ختنی‌ها پیروانی داشته، تنها از طریق چند متن ختنی جدید از سده نهم میلادی، از ناحیه دون هوانگ، تأیید می‌شود. متن وجریان، رساله کوتاهی به نثر درباره «ذکر» به گونه‌ای تعلق دارد که از متون تبتی که در دون هوانگ یافت شده، شناخته است و به احتمال زیاد بر پایه متون تبتی است.

۶-۹- متون غیرآموزه‌ای

افزون بر حجم عظیم متون بودایی، آثار ادبی ختنی شامل تعدادی متون غیرآموزه‌ای بسیار جالب توجه نیز هست. این آثار هم ترجمه و هم تصنیف‌های اصیل و بومی‌اند. در نبود متون متناظر، گاه تفسیر آنها دشوار است، زیرا دانش ما از واژگان زبان ختنی، عمدتاً بر متون دینی استوار است. از میان آثار غیرآموزه‌ای، سه غزل‌واره و یک متن پزشکی معرفی می‌شوند.

۶-۹-۱- اشعار غنایی یا غزل‌واره

این آثار به بزرگداشت عشق اختصاص دارند. بعضی از پاره‌ها بسیار زیبا هستند. ۹ غزل‌واره در پایان طومار متنوع Staël-Holstein پیدا شده است که همه احتمالاً از دون هوانگ هستند (نیز بیلی، ۱۹۶۴). سه غزل‌واره زیر از آن جمله است:

«از زمانی که نخستین بار ترا دیدم، محبوبکم، زمانی که بر قلبم گوی آتشین اشتیاق نهاده شد، عقل و هوشم هرگز قرار ندارند. سروکارم با اندیشه لرزان بوده است.»

«حتی زمانی که می‌خواهم، در رویا، ترا در بازوانم می‌بینم، زود با تو بیدار می‌شوم. اگر ترا نبینم، ای محبوبکم، اندام‌هایم خواهند مرد. بندبندم سست خواهند شد.»

«اگر قرار باشد ترا نبینم، اما از تو خبر بشنوم، نوشداروی بی‌مرگی در اندام‌هایم می‌افزاید. منافذم جدا جدا باز می‌شوند. اکنون در قلبم، آتش هیمه‌سوز، شعله‌هایش را برپا می‌کند.»

۶-۱۰- متون پزشکی

متون پزشکی به سنت آیور^۲ ودا (علم پزشکی) تعلق دارند که با آیین بودایی در آسیای مرکزی انتشار یافتند. قطعات گوناگون از متون پزشکی و بخش‌های عمده‌ای ترجمه‌های منشور ختنی از دو رساله منظوم سنسکریت موجود است: سیده‌ساره^۳ و جیوتکه‌پوستکه^۴.

^۱ - śāstra

^۲ - Āyur

^۳ - Siddhasāra

^۴ - Jīvatakapustaka

۶-۱۰-۱- جیوتکه پوستکه

کتاب جیوتکه، که تنها دستویس آن تاریخ سده دهم میلادی را دارد، شامل ۷۱ برگ است که درباره آموزش پزشکی توسط بودا به جیوتکه پزشک است، که «شاه پزشکان» نامیده شده است. متن دو زبانه، سنسکریت و ختنی، شامل مجموعه‌ای از تجویزها است که از متون گوناگون برگرفته شده و در فصل-هایی تنظیم شده و با واژه سنسکریت siddam: «موفقیت»، مانند بیشتر فصل‌های کتاب زمبسته، آغاز می‌شود. فصل اول (۱-۳) دربردارنده پادزهر (ختنی - agada از سنسکریت - agada)، فصل دوم (۴-۴۶) درباره داروهای آمیخته با کره تطهیرشده (ختنی - gvīha'rūna لفظاً به معنی روغن گاو، سنسکریت-ghṛta)، فصل سوم (۴۷-۷۳) درباره داروهای آمیخته با روغن کجند (ختنی-kumjsavīnaa -rūna- سنسکریت- taila) و فصل چهارم، که تنها بخشی از آن باقی مانده، درباره گرد‌ها (ختنی -cāṇa از سنسکریت-cūrṇa) است.

روایت ختنی، آن گونه که اشتباهات ترجمه نشان می‌دهد، بر پایه متن سنسکریت تحریف‌شده‌ای است که مترجم توانسته به درستی و به طور کامل آن را بفهمد. برای هر تجویز، دستورالعمل تهیه همراه با طریق مصرف آمده است. ۲۹ تجویز از ۹۳ تجویز با متون پزشکی هندی شناسایی شده است (برای آگاهی بیشتر نک. امریک، ۱۹۷۹).

منابع

- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۹). «زندگی و مرگ در آیین بودا بنابر یک قطعه ختنی»؛ پازند، نشریه علمی زبان، سال ششم، بهار و تابستان، تهران، ۱۰۳-۱۱۸
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۸). اصل خلد یا تهیگی بنا بر آموزه بودا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۳). درآمدی بر زبان ختنی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- Asmussen, J. P. (1961). *The Khotanese Bhadracaryā-deśanā: Text. Translation and Glossary. together with the Buddhist Sanskrit original*. København
- Bailey, H. (1982). *The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan*. New York
- Bailey, H. (1979) *Dictionary of Khotan Saka*. Cambridge
- Bailey, H. (1967). "Saka Śśāndrāmata". in G. Wiessne. ed., *Festschrift für Wilhelm Eilers*. Wiesbaden. pp. 136-143
- Bailey, H. (1966a). "The Sudhana Poem of Rddhiprabhāva". *BSOAS* 29. pp. 506-532

- Bailey, H. (1966b). "A Tale of Aśoka". *Bulletin of Tibetology* 303. pp 5-11
- Bailey, H. (1965). "Vajrayāna Texts from Gostana". in *Studies of Esoteric Buddhism and Tantrism of the Founding of Koyasan*. Koyasan. pp. 27-39
- Bailey, H. (1964). "Lyrical Poems of the Sakas". in *Dr.J. M., Unvala Memorial Volume*. Bombay, pp. 1-5
- Bailey, H. (1951a). *Khotanese Buddhist Texts*. London
- Bailey, H.(1951b). "The Staël-Holstein Miscellany". *Asia Major* 2. pp. 1-45
- Bailey, H. (1945-85). *Khotanese Texts I-VII*. Cambridge
- Bailey, H. (1943). *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books*. Oxford
- Bailey, H. (1942). "Kaṇaiśka". *JRAS*. pp. 14-23
- Bailey, H. (1940a). "Rāma, II". *BSOAS* 10 (1940-1942), pp. 365-376
- Bailey, H. (1940b). "Rāma, II". *BSOAS* 10 (1940-1942), pp. 559-598
- Bailey, H. (1936). "An Itinerary in Khotanese Saka". *Acta Orientalia* 14. pp. 258-267
- Canevascini, G. (1993). *The Khotanese Saṅgha-sūtra*. Wiesbaden
- Emmerick, R.E. (2010). "Khotanese and Tumshugese". in *The Iranian Languages*. ed., Gernot Windfur. London. pp. 377-415
- Emmerick, R. E. (2008). *An Introduction to Khotanese*. ed., M. Maggi, J. S. Shelton and N. Sims-Williams. Wiesbaden
- Emmerick, R. E. (1992). *A Guide to the Literature of Khotan*. 2nd ed. Tokyo
- Emmerick, R. E. (1989). "Khotanes and Tumshugese". in *CLI*. pp. 204-229
- Emmerick, R. E. (1979). *The Historical Importance of the Khotanese Manuscripts*, in Harmatta, J.(ed.) *Prolegomena to the Sources on the History of pre- Islamic central Asia*, Budapest, pp. 167-717".
- Emmerick, R. E. (1968a). *Saka Grammatical Studies*. London
- Emmerick, R. E. (1968b). *The Book of Zambasta: a Khotanese Poem on Buddhism*. London
- Emmerick, R. E. (1962). "Khotanese Metrics". *Asia Major*. N. S. 14, pp. 1-20
- Kumamoto, U. (1991). "Some Khotanese Letters in Verse". *Tokyo University Linguistics Paper* 12. pp. 50-80
- Leumann, E. (1933-39). *Das nordarische (Sakische) Lehrgedicht des Buddhismus*. Leipzig

- Maggi, M. (2008). "Khotanese Literature". *General Introduction to Persian Literature*. ed., J. T. P. Btuijin. vol. I, London. pp. 330-430
- Maggi, M. (1997). *Pelliot Chinois 2928: A Khotan Love Story*. Roma
- Sander, L. (1986). "Brāhmī-scriptio n of the Eastern Silk Road". *Studien zur Indologie und Iranistik* 11-12, pp. 159-192
- Sander, L. (1968). *Paläographisches zu den Sanskrithandschriften der Berliner Turfansammlung*. Wiesbaden
- Skjaervø, P. O. (2009) "Old Iranian". in *The Iranian Languages*. ed., Gernot Windfur. London. pp. 48-191
- Skjaervø, P. O. (1998). "Eastern Iranian Epic Tradition. Siyāvaš and Kunāla". in Jay Jasanoff, H. C. Melchert, and Lisi Oliver, eds., *Mīr Curad: Studies in Honor of Calvert Watkins*. Innsbruck. 1998b. pp. 645-58.
- Skjaervø, P. O. (2002). *Khotanese Manuscripts from Chinese Turkestan in the British Library: A Complete Catalogue with Taxes and Translations, with Contributions by V.Sims-Williams*. Corpus Inscrp, Iran, II/V Texts VI [SD TV], London.

س س ا ف
